

زنان خاورمیانه در حوزه عمومی



- Gender and Development in the Middle East and North Africa: Women in the Public Sphere
- Nadereh Chamlou (ed.)
- Washington D.C.: World Bank Publications
- 2004, 198 Pages

کتاب
فصل
فارس

● محمدحسین حافظیان
استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی کرج

در اشتغال و رشد اقتصادی به بار نیورده است. کمتر از یک سوم زنان خاورمیانه در نیروی کار مشارکت دارند. هر چند این نرخ رو به افزایش است با سطح ۳۲ درصد پایین‌ترین نرخ در سراسر جهان است و از سطح مورد انتظار از این منطقه، با توجه به کارنامه آن در آموزش و باروری پایین‌تر است. همچنین زنان شاغل در این منطقه بسیار بیشتر از دیگر مناطق در حال توسعه، گرایش دارند پس از ازدواج و آوردن فرزند نیروی کار را ترک کنند. داشتن چنین نسبت اندکی از زنان شاغل برای منطقه پرهزینه است. ناتوانی در استفاده بیشتر از زنان دارای تحصیلات عالی، شکوفایی عمومی منطقه را پایین نگه می‌دارد و توانایی تولیدکنندگان را برای رقابت در برابر کشورهای که استفاده کامل از سرمایه انسانی خود به عمل می‌آورند، محدود می‌سازد.

در این منطقه، مسائل جنسیتی بیشتر به صورت یک موضوع فرعی نگریسته شده که عمدتاً در حوزه بخشهای اجتماعی باقی مانده، در حالی که جنسیت نهایتاً یک مسئله اقتصادی برآورد شده است. این کتاب پیچیدگی مسائل جنسیتی را به رسمیت می‌شناسد، علل نابرابری جنسیتی را مطرح می‌کند و برای دگرگونی دستور کاری را ارائه می‌کند. در این دستور کار اگر چه راهکارهایی در عرصه‌های آموزشی، فرهنگی و سیاسی ارائه می‌شود، در نهایت هدف اصلی این است که مشارکت زنان در عرصه اقتصادی در منطقه خاورمیانه امکان‌پذیر شود تا توسعه پایدار تحقق یابد. به نظر نویسنده، اگر زنان همانند دیگر مناطق جهان بتوانند نقشی فعالانه در عرصه اقتصادی این منطقه ایفا کنند و ظرفیتهای خود را در این زمینه مورد بهره‌برداری قرار دهند، رشد اقتصادی منطقه تا هفت دهم درصد افزایش خواهد یافت، که رقم چشمگیری به شمار می‌آید.

این کتاب تمام مرکز خود را بر ابعاد اقتصادی مشارکت زنان در فرآیند توسعه خاورمیانه قرار داده و همه ابعاد دیگر گنجانده شدن زنان در فرآیند توسعه مسکوت گذارده می‌شود. این کتاب در دستیابی به هدف اعلام

کتاب جنسیت و توسعه در خاورمیانه و شمال آفریقا: زنان در حوزه عمومی (جهت‌گیری‌هایی در توسعه) که توسط نادره شاملو ویرایش شده، اثری بسیار برجسته‌ای در زمینه ارتباط میان زنان و توسعه است. این اثر بخشی از مجموعه گزارشهای توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا است که هدف آن ارائه یک بررسی فراگیر از چالشها و فرصتهایی است که این منطقه با آن روبروست. این امر در حالی است که این منطقه می‌کوشد یک استراتژی توسعه جدید را برای برآوردن نیازهای رو به رشد مردم منطقه طراحی کند. این کتاب که توسط بانک جهانی تهیه شده، بیشتر از جنبه اقتصادی به مسئله ارتباط زنان و توسعه نگاه می‌کند و به ابعاد اجتماعی نمی‌پردازد. همچنین موضع حقوق بشری در این خصوص مطرح نمی‌شود. در واقع، این کتاب پیامدهای ناگوار اقتصادی عدم حضور زنان در روند توسعه را در کشورهای خاورمیانه بررسی می‌کند. به همین دلیل این کتاب انباشته از انواع نمودارها، جدولها و آمارهاست.

این کتاب در پنج فصل تنظیم شده است و البته جدا از خود فصلها، در آغاز نگاهی کلی از مباحث کتاب ارائه می‌شود. عنوان فصل نخست کتاب، «چرا نابرابری جنسیتی در خاورمیانه اهمیت دارد؟» فصل دوم، «پر کردن شکاف جنسیتی در آموزش و بهداشت» و فصل سوم «زنان در اقتصاد» است که شاید بتوان آن را مهم‌ترین فصل کتاب دانست. «مضیقه‌های کار زنان» عنوان فصل چهارم است و «دستور کار سیاست جنسیتی برای برآوردن نیازهای جمعیتی و اقتصادی» واپسین فصل کتاب را تشکیل می‌دهد. همچنین یک پیوست با عنوان «پیش زمینه حقوقی و آماری» نیز در انتها آمده است.

در این کتاب بر این نکته تأکید می‌شود که وضعیت زنان در خاورمیانه یک تناقض است. چندین دهه سرمایه‌داری شگرف در بخشهای اجتماعی سطح آموزش و بهداشت زنان را بسیار بهبود بخشیده و باروری آنان را کاهش داده، اما این پیشرفت‌های برجسته هنوز نتیجه مورد انتظار را

ناتوانی در استفاده بیشتر از زنان دارای تحصیلات عالی، شکوفایی عمومی منطقه را پایین نگه می‌دارد و توانایی تولیدکنندگان را برای رقابت در برابر کشورهای که استفاده کامل از سرمایه انسانی خود به عمل می‌آورند، محدود می‌سازد

این اثر، بخشی از مجموعه گزارشهای توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا است که هدف آن ارائه یک بررسی فراگیر از چالشها و فرصتهایی است که این منطقه با آن روبروست

شده خود که بررسی نتایج حضور زنان در صحنه اقتصادی منطقه و ارائه راهکارهایی برای تحقق این امر است به موفقیت دست یافته است. کشورهای منطقه تعهد خود را به برابری جنسیتی با امضای اعلامیه هزاره نشان داده‌اند و به تلاشهایی برای دستیابی به اهداف توسعه هزاره دست می‌زنند که سومین بند آن «ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان» است. شمار زیادی از آنها کنوانسیون ملل متحد درباره رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان را امضا کرده‌اند. الجزایر، بحرین، جیبوتی، مصر، عراق، اردن، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، عربستان سعودی، تونس و یمن از جمله این کشورها هستند. سوریه اخیراً آن را امضا کرده، ولی هنوز تصویب نکرده است. کشورهایی که کنوانسیون را تصویب می‌کنند خود را از لحاظ حقوقی متعهد می‌سازند تا مفاد آن را به اجرا بگذارند و به طور منظم درباره اجرای آن گزارش بدهند. با وجود این، هنوز کار بسیار

۶۶

کتاب ماه
علم اجتماعی
شماره‌های ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸
مرداد، شهریور، مهر
۱۳۸۵

بیشتری باید صورت گیرد تا این تعهدات در زندگی روزانه منطقه احساس شود. نویسنده بر این باور است که باید بررسی شود که چرا عواملی که به توانمندسازی بیشتر زنان در دیگر بخشهای جهان کمک کرده، در این منطقه تاکنون کارآمدی کمتری داشته است.

خاورمیانه با داشتن بالاترین نسبت وابستگی اقتصادی در جهان و نرخهای بالاتر بازده آموزش زنان تا مردان، آشکارا فرصتهای افزایش رفاه خانواده‌ها و جامعه را از دست می‌دهد. مشارکت بالاتر نیروی کار زنان به همراه آنچه از موفقیت تحصیلی، ساختار سنی و نرخ باروری کشور انتظار می‌رود، می‌تواند درآمد خانوارها را بین ۱۵ تا ۲۰ درصد افزایش دهد.

نکته جالب توجه در این کتاب ارائه پارادایمی است که وضعیت زنان در خاورمیانه را شکل می‌دهد. در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و بسیاری از دیگر مناطق جهان اسلام، نقشها و پویایی جنسیتی به وسیله یک پارادایم سنتی شکل می‌گیرد که چهار عنصر دارد:

- مرکزیت خانواده به جای شخص به عنوان واحد اصلی جامعه که در آن مردان و زنان نقشهای مکمل و نه برابر را ایفا می‌کنند. هم مردان و هم زنان خانواده را یک دارایی ارزشمند فرهنگی در نظر می‌گیرند.
- شناسایی مرد به عنوان تنها نان‌آور خانواده.
- قواعد حجب و حیاء که شرف و منزلت خانواده را بر آبروی زن متکی می‌سازد و محدودیتهایی را بر روابط میان مردان و زنان برقرار می‌کند.
- موازنه نابرابر قدرت در حوزه خصوصی که در قوانین خانواده بازتاب می‌یابد.

این پارادایم مفروض می‌گیرد که زنان (خیلی زود) ازدواج خواهند کرد و اینکه مهم‌ترین کمک آنها به خانواده و جامعه این است که خانه‌دار و مادر باشند، اینکه ریاست خانوارها بر عهده مردانی است که شغل دارند



هر چند بسیاری از کشورها براساس قانون اساسی ملی و قوانین خود به زنان به عنوان شهروند و رأی‌دهنده حقوق برابر واگذار می‌کنند، مشارکت زنان در سیاست و حکمرانی به هیچ وجه گسترده نیست

جهانی بهتر می‌توان در یافت. برای نمونه، درصد حضور زنان در پارلمان در ۲۰۰۳/۱۳۸۲ به صورت زیر است: کشورهای توسعه یافته ۲۳ درصد، آمریکای لاتین و کارائیب ۱۵ درصد، آسیای مرکزی ۱۲ درصد، آفریقای زیرصحرای ۱۱ درصد، آسیای شرقی و پاسیفیک ۱۱ درصد، آسیای جنوبی ۶/۴ و خاورمیانه ۶ درصد. میانگین درصد جهانی نیز ۱۳ درصد است. در میان کشورهای خاورمیانه بحرین بیشترین سهم اعضای زن را در پارلمان دارد که ۱۳ درصد است. پس از آن تونس با ۱۲ درصد قرار می‌گیرد. در سر دیگر طیف کویت و امارات متحده عربی هیچ نماینده زن ندارند. سهم زنان در یمن با یک درصد و در مصر و لبنان با دو درصد کمتر است. قطر و عربستان سعودی هیچ گاه پارلمان نداشته‌اند. قطر یک مجلس مشورتی دارد که زنان می‌توانند در انتخابات آن رأی بدهند. در ایران نیز این میزان در حدود ۴/۵ درصد است.

کتاب به این نتیجه‌گیری دست می‌یابد که گروه‌های طرفدار زنان باید دستور کار تغییر در منطقه را در اختیار بگیرند و تضمین کنند که مسائل جنسیتی همزمان با اصلاحات اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند. سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت به تدریج تأثیر خود را بر منطقه خاورمیانه در زمینه توانمندسازی زنان بر جای می‌گذارد. این تأثیرات در دو دهه آینده اثر چشمگیرتری خواهد داشت. به موازاتی که خاورمیانه سیاست‌های توسعه خود را برای ایجاد فرصت‌های بهتر برای نسل امیدوار جوان بازنگری می‌کند، نیازمند نگرینستن به مسائل جنسیتی به عنوان بخشی از راه‌حل است. برخورد کارآمد با این مسائل به اراده و نیروی سیاسی چشمگیری نیاز خواهد داشت. راهی طولانی در پیش روست. اما این سفر باید امروز آغاز شود تا خانواده‌های این منطقه از همه منابع انسانی و غیره که در اختیار دارند بهره‌برداری کنند.

در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان این کتاب را یکی از بهترین گزارش‌هایی دانست که در خصوص وضعیت زنان در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به ویژه از چشم‌انداز اقتصادی تاکنون نگاشته شده است. به رغم اینکه آثار و گزارش‌های برآمده از بانک جهانی همواره در معرض این اتهام بوده‌اند که با دیدگاه‌های غالب غربی نگاه‌شسته می‌شوند و وضعیت خاص مناطق در حال توسعه در آنها نادیده گرفته می‌شود، این کتاب تلاش کرده است بیشتر بازتاب واقعی آن چیزی باشد که هم اکنون در منطقه قابل مشاهده است. به همین دلیل، در سراسر کتاب کوشش شده است دیدگاه‌های مسلط در غرب با وضعیت خاص منطقه خاورمیانه به ویژه فراگیری دین اسلام با همه جلوه‌های فرهنگی، سیاسی و فکری آن به گونه‌ای ترکیب شود تا در نهایت راهکارهایی که برای بهبود وضعیت زنان به ویژه مشارکت افزون‌تر آن در فرآیند توسعه منطقه ارائه می‌شود، قابلیت اجرا داشته باشد. لذا خواندن این کتاب بر هر کسی که درخصوص وضعیت زنان در خاورمیانه به ویژه رابطه جنسیت و توسعه به پژوهش می‌پردازد، ضرورت دارد.

زنان در خاورمیانه در مقایسه با دیگر مناطق جهان پایین‌ترین سهم را از کرسی‌های پارلمان‌های ملی دارند، که کمتر از ۶ درصد است

و از امکان تأمین معاش خانواده برخوردارند، اینکه زنان برای حمایت بر مردان متکی خواهند بود و اینکه مسئولیت مرد برای حمایت از همسر و خانواده‌اش کنترل او را بر حضور و فعالیت همسرش در حوزه عمومی توجیه می‌کند. پارادایم جنسیتی سنتی نه تنها در ابعاد مهمی از قانون بلکه در نمایندگی پایین زنان در زندگی سیاسی و همه سطوح تصمیم‌گیری سیاسی نیز احساس می‌شود. هر چند بسیاری از کشورها براساس قانون اساسی ملی و قوانین خود به زنان به عنوان شهروند و رأی‌دهنده حقوق برابر واگذار می‌کنند، مشارکت زنان در سیاست و حکمرانی به هیچ وجه گسترده نیست.

نرخ بی‌سوادی زنان که می‌تواند به آگاهی پایین سیاسی، مشارکت پایین در انتخابات و شاید حتی سوءاستفاده دیگران از رأی‌دهندگان زن منجر شود، همچنان مانعی بر سر راه نفوذ سیاسی بالقوه زنان است. سهم زنان از کرسی‌های مجلس ملی متداول‌ترین شاخص در سطح کشوری از توانمندسازی سیاسی زنان، و تنها شاخص سیاسی است که برای ارزیابی پیشرفت برای اهداف توسعه هزاره درخصوص برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. زنان در خاورمیانه در مقایسه با دیگر مناطق جهان پایین‌ترین سهم را از کرسی‌های پارلمان‌های ملی دارند، که کمتر از ۶ درصد است، اما وضعیت امروز منطقه از ۱۶ سال پیش بهتر است؛ شمار کشورهای دارای نمایندگان زن از سه کشور در ۱۹۸۷/۱۳۶۶ تا ۱۱ کشور در سال ۲۰۰۳/۱۳۸۲ افزایش یافته است.

یکی از نقاط قوت کتاب در این است که در بسیاری از موارد برای مقایسه بهتر وضعیت موجود در خاورمیانه، آمارهایی را از دیگر مناطق در حال توسعه جهان ارائه می‌کند. بدین ترتیب، افزون بر مقایسه وضعیت کشورهای خود خاورمیانه، وضعیت کلی این منطقه را نیز در چارچوب